

نولسمه ځنه - د 1387 کال سلواغی میاشت، او د عیسوی 2009 کال د فبروری میاشت

سر مقاله

تغیر و افغانستان

اوباما رئیس جمهور منتخب ایالات متحده امریکا با پیش کش نمودن شعار تغیر در انتخابات پیروز و به تايخ 20 جنوری در قصر سفید بکار آغاز نمود .
وی تغیر در استراتیژی جنگ افغانستان را با افزایش نیروها ،تغیر در راه برد های نظامی توام با مبارزه علیه فساد و مواد مخدر را در دستور کار خویش قرار داد .
این در حالیست که تشنج بین جام عه جهانی ،بخصوص امریکا و رئیس جمهور کرزی بالا گرفته ،تعداد از سیاست مداران امریکائی دولت آقای کرزی را به فساد اداری و شرکت در تجارت مواد مخدر و بیکارگی متهم میسازد .
آقای کرزی و تیم او جامعه جهانی را در ناکامی جنگ با طالبان ،کشار افراد ملکی وحتی افزایش کشت مواد مخدر متهم میسازد این یک واقعیت سرسخت است که هر دو جانب یعنی هم نیروهای انتیلا ف به رهبری امریکا ،جامعه جهانی و هم دولت آقای کرزی نتوانستند در مبارزه علیه تروریزم و قاچاق مواد مخدر و تغیر در زندگی مردم بخصوص اقشار فقیر جامعه کار موثری انجام دهند .
بقیه در صفحه (9)

قدرت طلبی یا عدالت پسندی

انجنیر عزیز احمد

قدرت طلبان در مبارزه قدرت همواره می کوشند تا امکانات نیرو های چپ دموکراتیک را استفاده ببرند که در صورت وسیله قرار گرفتن اعتبار شان را در جامعه از دست خواهند داد و پایه اجتماعی آنها تضعیف می گردد بر این نیرو ها لازمست تا در عوض وسیله قرار گرفتن باید با مردم همصدا شوند . سوال میگردد صدای امروز مردم چیست؟ اگر از موضعگیری نیرو های خودی و همسو بگذریم مردم بطور عام و انهایی که دیروز علیه چپ دموکراتیک قرار داشتند به طور خاص صدا بر می اورند .

ادامه در صفحه (5)

تدویر جلسه هیئت اجراییه

کابل 27 جدی 1387: روز جمعه ساعت ده قبل از ظهر جلسه نوبتی هیئت اجراییه مجلس مؤسسان تحت ریاست شیرمحمد بزرگر رئیس مجلس مؤسسان نهضت فراگیر دمو کراسی و ترقی افغانستان دایر گردید .
پس از اینکه اجندای جلسه توسط انجنیر عزیز احمد عضو هیئت اجراییه و مسرئیل تشکیلات مطرح و مورد تائید جلسه قرار گرفت شیر محمد بزرگر پیرامون اوضاع سیاسی کشور مختصرا صحبت نموده مسایل مربوط باجندا مورد بحث قرار گرفت .
طبق ماده اول اج ندا ،میر محمد شاه مسول شعبه تبلیغ و فرهنگ در باره جریان نشر و توزیع ماهنامه راه نهضت گزارش داده افزودادامه در صفحه (2)

داکتر حبیب منگل

بارک اوبا ما و ضرورت استراتیژی جدید و موثر برای افغانستان

بارک اوبا مراسم تحلیف را ادا کرد و چهل و چهارمین رییس جمهور ایالات متحده امریکا شد . انتخاب بارک حسین اوبا ما نخستین امریکایی سیاهپوست و افریقایی تبار به حیث رییس جمهور ایالات متحده امریکا اگر انقلاب سیاسی نباشد ولی شگفت انگیز ترین رویداد در تاریخ سیاسی ایالات متحده به شمار می آید . شگفت انگیزترین به خاطری که در گذشته نه چندان دور سیاهپوستان امریکایی از حقوق مدن یشان محروم بودند و به تبعیض روبرو بودند اما اینک برای اولین بار یک سیاهپوست امریکایی از طبقه متوسط به کرسی ریاست جمهوری بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان تکیه میزند
بقیه در صفحه (2)



تیم کرکت در بازگشت از بازیهای آرژانتین با استقبال گرم مواجه شد (در صفحه 6)

بقیه جلسه هیئت اجراییه

بعد از اینکه ماهنامه راه نهضت مجوز رسمی از وزارت اطلاعات و فرهنگ دولت افغانستان بدست آورد تا کنون 18 شماره در 16 صفحه ماهوار تحت نظر هیئت تحریر نشر گردیده و محتوای آنرا مقالات علمی، تحلیلی و معلوماتی پیرامون اهداف سیاسی نهضت، اوضاع کشور و مسایل بین المللی، اطلاعات حزبی، تحلیل ها و یادبود از شخصیت های حزبی و اجتماعی، مسایل ادبی، هنری و ورزشی تشکیل داده است.

اکنون ماهنامه نهضت در قطار رسانه های نوشتاری جایگاه خود را در میان خوانندگان باز نموده و با وجود مشکلات مالی و تخنیکی محتوای مطالب آن روزتا روز بهتر میگردد.

هیئت اجراییه پس از بحث مفصل و ارزیابی جهات مثبت و نواقص کار هیئت تحریر را که با امکانات بسیار محدود مالی و تخنیکی به نشر 18 شماره ماهنامه راه نهضت مبادرت ورزیده و نه تنها در داخل کشور بلکه خارج از مرزها به دسترس علاقه مندان و اعضای نهضت قرار میگیرد قدر دانی نموده به خاطر بهبود هرچه بهتر آن فیصله نمود:

1- برای ماهنامه راه نهضت یک حساب بانکی جداگانه افتتاح گردیده و عواید و اعانه ها باین حساب پرداخته شود

2- برای تقویت بنیه مالی ماهنامه جمع اوری اعانه سازمان دهی گردد.

گفتنی است که اعضای هیئت اجراییه فی المجلس مبلغ 22000 افغانی اعانه پرداختند که به حساب مربوط پرداخته شود.

4- به شوراها برون مرزی نیز وظیفه داده شود تا اعانه را سازمان دهند.

5- شماره اخیر 1 مسال ماهنامه با قطع و صحافت رنگی و مطالب مهم علمی و تحلیلی و پیام نوروزی به تیراژ 2000 نسخه نشر و رایگان توزیع گردد.

5- شوراها و ولایتی و شوراها برون مرزی مشترکین ماهنامه را افزایش دهند.

در بخش دیگر اجندا گزارش کمیسیون تفاهم مورد بحث فرا گرفت که توسط دکتر راوش رئیس کمیسیون ارایه گردید. در گزارش تذکر داده شد که کمیسیون نهضت با کمیسیون تفاهم حزب متحد ملی جلسات منظم داشته و به تنظیم اسناد مهم چون دیدگاه و مبانی فکری و طرز العمل بیوسه وحدت نایل آمده و اینک بالای تدوین طرح مرامنامه و اساسنامه کار مینمایند که طرح مرامنامه 70 درصد تکمیل گردیده است. هم چنان کمیسیون پیرامو مسایل متنوع سرلای و تشکیلاتی مباحثی داشته که بیان گردید و فضای کاری دوستانه و رفیقانه بوده و اعتماد کامل بین کمیسیونها وجود دارد.

در بسیاری از شوراها و ولایتی و شوراها برون مرزی کمیسیونهای تفاهم و حتی کمیسیونهای مشترک ایجاد گردیده و جلسات مشترک تشکیل میدهند پیامهای مشترک صادر مینمایند.

هیئت اجراییه در حالیکه کار کمیسیون را مثبت ارزیابی نموده و از زحمات رفقا قدر دانی نمود به کمیسیون وظیفه داد تا با جدیت بیشتر به کارشان ادامه دهند و از تمام شوراها و ولایتی و شورای شهر کابل و شوراها برون مرزی خواسته شد تا هنگامیکه طرح برنامه و اساسنامه از سوی کمیسیون تنظیم میگردد وسیعا در سازمانهای و واحدهای اولیه مورد مطالعه قرار داده شده و نظریات پیرامون اسناد تنظیم شده به مجلس مؤسسان سپرده شود.

در بخش دیگر اجندا موضوع تدویر جلسه نوبتی مجلس مؤسسان بحث شده هیئت اجراییه فیصله نمود که در اواخر برج حوت جلسه نوبتی مجلس مؤسسان تحت اجندای (اوضاع سیاسی کشور و وظایف تاخیر ناپذیر نهضت فراگیر) دعوت شود. و کمیسیون تدارک موظف گردید.

جلسه حوالی ساعت 2 بعد از ظهر به پایان رسید.

بقیه صفحه اول از مقاله بارک اوباما



بارک اوباما در شرایط و اوضاع به قدرت میرسد که ایالات متحده در دوره حکومت مح افظه کاران نو در حیات خارجی و داخلی به چالش های جدی روبروی باشد. چنانکه او در مراسم سوگند می گوید "ملت ما علیه شبکه گسترده ای از خشونت و نفرت در جنگ به سر می برد، اقتصاد ما به شدت ضعیف شده است، بازار مسکن و کار در شرایط بدی است و کسب و کارها متوقف شده است، سیستم بهداشتی ما پر هزینه است و ناکامی های مدارس ما متعدد است و هر روز شواهد بیشتری به دست می آید که نشان می دهد نحوه استفاده ما از انرژی، زمین را تهدید و دشمنان را ما مستحکم تر می کند، چالش هایی که آمریکا و آمریکایی ها با آن روبرو هستند، واقعی است و شمار آنها زیاد است" این است معضلات عمده که در برابر حکومت اوباما قرار دارد. بنابراین باید گفت که انتخاب بارک اوباما که با شعار "تغییر" در کارزار انتخاباتی شرکت

ورزید و برنده شده است نه فقط نشان دهنده سطح عالی آگاهی و بلوغ سیاسی مردم و نهادینه شدن ارزش های دموکراسی و جامعه مدنی در آمریکا است، بلکه انعکاس دهنده رای مردم این کشور برای تحولات و تغییرات نیز میباشد و در برابر حکومت و وظایف بزرگ و تاخیر ناپذیری در راستای حل معضلات فوق قرار میدهد.

هر چند که در کشوری همچون ایالات متحده آمریکا با نظام و سیستم سیاسی جاه افتاده، دکتورین سیاست خارجی و رویکرد و عمل کرد حکومت ها و نخبه گان حاکم را منافع دایمی و مقتضیات سیستم و نظام حاکم تعیین می نماید و سمت و سو میدهد که با تغییر حکومت ها به گونه فا حش دگرگون نمی گردد، با این وجود، از سخنان بارک اوباما در مراسم سوگند بر می آید که او در مقابله با چالش ها دیدگا های روشن دارد. چنانچه در مراسم سوگند میگوید که "ما امروز در اینجا جمع شده ایم، چون ما امید را به جای ترس انتخاب کردیم، وحدت را به جای بحران و اختلاف و زمان آن رسیده است تا دوباره بر این ارزش ها و باور هایی که نسل به نسل به ما رسیده، تائید کنیم، همه برابر و آزاد هستند و در خطاب به جهان اسلام میگوید "ما به دنبال راهی برای به جلو رفتن هستیم که بر مبنای منافع مشترک و احترام متقابل است" و می افزاید " آمریکا نشان خواهند داد که دوست هر ملت و فردی است که به دنبال صلح و منزلت است"

اینده نشان خواهد داد که آقای اوباما تا چه حد در عملی ساختن این ابراز نظر جدی است؛ اما این سخنان ظاهراً میرساند که حکومت جدید ایالات متحده به انانی که ترس؛ ت روریزم و بحران می افرینند به شدت مقابله خواهند کرد و به رعایت حق حاکمیت و تساوی حاکمیت ها، آزادی و برابری دولت و روابط متقابلاً مفید دوستانه به کشور ها (که در دوران حکومت محافظه کاران نو وسیعاً نقض و پامال شده بود) روی خواهد آورد و برای احیا و بهبود وجهه بین الهلی آمریکا تلاش خواهد کرد .

افغانستان: اولویت اوباما

به تاریخ دهم اکتوبر 2001 ریس جمهور سابق ایالات متحده آمریکا جورج واکربوش با آغاز حملات نظامی به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، به دولت جدید تحت آقای حامد کرزی و مردم افغانستان وع ده داده بود که اردوگاه های آموزشی تروریستی را نابود میسازد اسامه بن لادن و سایر رهبران القاعده را گرفتار و به محاکمه میکشانند و به افغانستان در عرصه امنیت داخلی و خارجی، استقرار دموکراسی، تامین حقوق بشر، بازسازی، توسعه و پیشرفت به افغانستان کمک می نماید، مشترکاً شبکه های بین المللی تروریزم را نابود و بر علیه ترور، افراط گرایی و از بین بردن نظام جنگ سالاری، کشت کونکار، تولید و قاچاق مواد مخدر مساعدت میرساند، به سازماندهی، آموزش، تجهیز، و تمویل نیروهای امنیتی افغانستان کمک میکند تا این کشور بتواند مستقلاً نه به امنیتهش بپردازد؛ از مردم افغانستان در راستای استقرار دموکراسی و نظام سیاسی معتدل و دموکراتیک و از اداره سالم دموکراتیک در حکومت داری و توسعه جامعه مدنی، مبتنی بر حاکمیت قانون و حقوق بشر و فراهم اوری زمینه های مشارکت سیاسی با پایه های وسیع حمایت می نماید و یاری میرساند، در راستای بازسازی افغانستان و سرمایه گذاری ها جهت رشد قوای بشری افغانستان و تشویق کشور های دیگر در این راستا کمک همه جانبه مبذول میدارد و ایالات متحده انتظار دارد که افغانستان حقوق بشر را رعایت و جامعه عادلانه مبتنی بر اصل برابری را گسترش دهد، انتخابات منظم، آزاد، عادلانه و دموکراتیک، مطبوعات آزاد و رعایت فعالانه قانون اساسی افغانستان معیار های اند از تعهد این کشور به الزامات ناشی از این اصول. از افغانستان در دفع مداخلات در امور داخلی این کشور و از ابتکار امنیت در سرحدات و احیای نقش تاریخی این کشور به عنوان پلی میان آسیای مرکزی و جنوبی و ارتقای مناسبات منطقه یی از رقابت به همکاری اقتصادی و سیاسی پشتیبانی میکند و این همکاری باید مناسبات صلح امیز و ثمربخش افغانستان و همسایه هایش را تقویت کند و برضد هیچ کشوری سومی نیست.

اما بارک اوباما در شرایطی به قدرت میرسد که ایالات متحده در عرصه عملی ساختن تعهدات در افغانستان دست آورد های ملموس ندارد و در یک بن بست به سر می برد. به گونه ء که ترور و جنگ افغانستان را به زخم خون چکان مبدل کرده است و برای ساکنان به شدت نا امن ساخته است. اردوگاه های آموزشی تروریستی هم چنان فعال اند، طبق گزارشات استخبارات ایالات متحده اسامه بن لادن و ملا عمر در پاکستان مخفی گردیده اند و هنوز گرفتار نگردیده اند، استر اتیژی ملی مبارزه به تولید و قاچاق مواد مخدر، هنوز دست آوردهای ملموس و محسوس ندارد و گزارش میشود که برخی نهادهای مستقل، شماری از مقامات ارشد دولتی در کاوربار مواد مخدر دست دارند، افغانستان هنوز صاحب قوای مسلح ملی و اداره نظامی و امنیتی کار امده نه شده است. تلاشهای جامعه جهانی در این راستا، ناکافی می باشد. آگاهان امور به این باور رسیده اند که پروسه ایجاد قوای مسلح ملی عمداً به تعویق انداخته میشود، تا حضور دراز مدت نیروهای خارجی در کشور توجیه شود. سازمان ملل متحد، بارها کشتار غیر نظامیان را در جریان برخوردهای نظامی طالبان محکوم کرده است و از مقامات آمریکایی و افغان خواسته اند تا در عملیات نظامی خود، امنیت غیر نظامیان را مدنظر داشته باشند.

با این وجود که پس از فروپاشی نظام طالبان گام های معینی در راستای توسعه سیاسی برداشته شده است و دست آورد های معین نیز وجود دارد. مثلاً برای کشور قانون اساسی با تسجیل ارزش های دموکراتیک و تجدد گر ایانه تدوین گردید، آزادی های سیاسی و مدنی، آزادی بیان و مطبوعات دگرگونی های مثبت وجود دارد. اما فرایند توسعه ء سیاسی و تامین حقوق بشر بنابر ساختار غیر دموکراتیک قدرت و مقاومت مری و نامریی در برابر اصلاحات دموکراتیک و تجدد گر ایانه، ثبات شکنند موجود سیاسی و دموکراسی نو پا افغانستان را به چالش مواجه ساخته است و حتی خطر باز گشت کشور به انارشی و استبداد را به وجود آورده است. زنان افغان شدیداً از موقعیت پایین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و خشونت رنج می برند و هنوز فیصدی دخترانی فرصت رفتن به مکتب را ندارند. خشونت های که متوجه مکاتب است، مدارس دخترانه را شدیداً آسیب رسانده است. از کودکان در منازعات مسلحانه استفاده میشود، تجاوز های جنسی به کودکان، ادامه حمله به مکاتب و کشته شدن کودکان در حملات هوایی نیروهای خارجی ادامه دارد. نیروهای آمریکایی از اعاده ابتدایی ترین حقوق انسانی باز داشتیان تحت نظر در زندان بگرام خودداری می کنند و سوء رفتار فاحش با زندانیان مشاهده شده است، اطلاعات ناکافی در مورد زندانیان و

عدم تماس میان آنها و خانواده هایشان، همچنان نگران کننده است . وضعیت زندانیانی که توسط آیساف به زندانهای افغانستان سپرده شده اند، به دلیل عدم دسترسی مناسب به آنان، ابراز نگرانی می کنند . عملکرد نیروهای خارجی در افغانستان آنها را در موقعیتی فراقانونی قرار داده و پلیس افغانستان و نیروهای امنیت ملی (اداره اطلاعات) این کشور، به بازداشت غیرقانونی و شکنجه افراد متهم شده و عمل کرد این نیروها در جبران خسارت آسیب دیدگ ان خشونتها، نقش قانون را کمرنگ کرده است و زندانهای خصوصی، مشکلی است که به نظر تهیه کنندگان گزارش عفو بین الملل، همچنان در افغانستان دیده می شود . عدم حاکمیت و فساد اداری شرم اور بیداد میکند . اکثر ادارات دولت افغانستان آغشته به فساد اند . اداره انکشافی سازم ان ملل متحد افغانستان را در فهرست ده کشور آلوده به فساد در جهان قرار داده است . بیشترین بخش کمکهای جامعه جهانی به افغانستان در چند سال گذشته حیف و میل شده است و برای حقوق بلند مشاوران خارجی، دفاتر تجملی، برنامه های غیرضروری به مصرف رسیده و حیف و میل شده است

هر چند از سال ۲۰۰۱ میلیارد ها دلار به افغانستان کمک شده اما هنوز بیشتر ساکنان این کشور در چنان فقری زندگی می کنند که نظیر آن به جز در کشورهای شاخ افریقا در دیگر مناطق جهان به ندرت دیده شده است .. به عرصه کشاورزی که زندگی هشتاد درصد خانواده های افغان به آن وابسته است، توجه چندانی نشده است . حدود 20 میلیون نفر در این کشور زیر خط فقر زندگی می کنند . نیمی از کل جمعیت افغانستان به آب آشامیدنی بهداشتی دسترسی ندارند و هشتاد و پنج درصد مردم در سراسر کشور به خدمات صحتی دست رسی ندارند . روزانه بین 50 تا 70 زن و نیز بیشتر از 700 کودک زیر 5 سال به علت بیماریهای مختلف در افغانستان جان می دهند . و میزان تلفات مادران هنگام وضع حمل در افغانستان به حدی بالا است که نظیر آن در هیچ کشوری به ثبت نرسیده است."



این است عمده ترین مشخصات اوضاع امنیتی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماع ی و فرهنگی کنونی افغانستان در زمان هفت سال و چند ماه حضور ایالات متحده امریکا در افغانستان و این است چالش های اساسی که فراراه حکومت اوپاما در افغانستان قرار دارد . چنانکه در مراسم سوگند می گوید "که عراق را به مردم این کشور تحویل خواهد داد و در افغانستان صلح به وجود خواهد آورد . " برقراری ثبات در افغانستان و مبارزه با تروریسم را از "اولویتهای" عمده دولت خود اعلام کرده است ، " افغانستان و پاکستان را جبهه مرکزی در مبارزه علیه تروریسم خوانده و تاکید ورزیده که صلح پایدار در افغانستان برقرار نمی شود، مگر این که کش ورش برای مردم افغانستان و پاکستان فرصت های جدیدی بوجود بیاورد." و از تغییر رویکرد در قبال افغانستان و حضور پر قدرت امریکا در این کشور تاکید نموده است و متعهد شده است که بر دستگیری اسامه بن لادن، رهبر شبکه القاعده، تمرکز کند . حالاً مردم افغانستان، امیدوارند که این رویکرد و استراتژی جدید بتواند نقش مهمی برای برون رفت از بحران عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بازی کند.

ایالات متحده در نظر دارند که نیروهای خویش را به اعزام 30 هزار نیروی تازه نفس افزایش بخشند . هر چند هنوز مشخص نیست این نیروها در کجا مستقر خواهند شد اما فرماندهان آمریکایی قبلاً اعلام کرده اند که استقرار این نیروها به نیروهای بریتانیایی که در ولایت هلمند مستقر هستند کمک خواهد کرد تا شورشها در این منطقه را مهار کنند اما دولت افغانستان تاکید دارد که نیروهای جدید امریکا و همچنین ناتو باید در مناطق مرزی افغانستان با پاکستان مستقر شوند و به مناطقی اعزام شوند که از نظر امنیتی به آن نیاز است و جنگ را به جای ببرد که لانه های تروریسم و پرورشگاه های ترور است . " این درحالیست که مردم و جامعه سیاسی ومدنی کشور ، افزایش نیروهای را راهکار درست حل مشکلات نا امنی نمی دانند و کاهش تلفات غیرنظامیان در افغانستان در صدر درخواست های افغانستان از رهبری جدید امریکا قرار دارد.

وزیر دفاع امریکا هم از استراتژی جدیدی برای مبارزه با تندروی اسلامی در افغانستان صحبت می نماید و تاکید میورزد که این کشور رها به اهداف مشخص و روشنی دارد که تحقق آنها در سه یا پنج سال آینده امکان پذیر باشد . " این اهداف را شامل تأسیس مراکز کنترل در مناطق معین، مبارزه با القاعده و فراهم کردن امنیت و خدمات برای افغانهاست. پیدا کردن و از بین بردن مراکز تولید مواد مخدر، بازداشت قاچاقچیان مواد مخدر و سرمایه گذاران در این زمینه نیز جزء اهداف استراتژی جدید امریکا در افغانستان خواهد بود. آقای گیتس از " افغانیزه" کردن جنگ سخن می گوید و تصریح می نماید که "بسیار مهم است که هر چه در توان داریم انجام دهیم تا افغانها درک کنند که این جنگ آنهاست و آنها باید در خط مقدم باشند." وزیر دفاع امریکا اضافه میکند که دولت امریکا روز به روز بیشتر متوجه می شود که میلیاردها دلاری که در این منطقه هزینه کرده، بازدهی کمی داشته است. افغانستان نیز باید به لحاظ نظامی و همچنین مدنی تقویت شود؛ او یک حامی قوی سرعت بخشیدن به روند آموزش و تجهیز زهروهای مسلح افغانستان است. واز اولویت اساسی باراک اوپاما خواهد بود.

در عین حال نکته ای دیگر که شاید در چارچوب این سیاست جدید قابل تامل باشد، این است که احتمال وجود دارد آقای هولبروک نماینده جدید آقای اوپاما برای افغانستان و پاکستان، تماسهایی را با طا لبان ایجاد کند؛ چیزی که در چند ماه گذشته در خصوص آن سخنانی از سوی مقامات آمریکایی و البته مقامات افغانستان ایراد شده است . احتمال ایجاد مسیر تازه ای برای رساندن تدارکات نیروهای ائتلاف به افغانستان که اخیراً از سوی ژنرال دیوید پترئوس، فرمانده ارشد امریکا در منطقه اعلام شد، می تواند بخش دیگری از این سیاست باشد . بنا به نظر میرسد که حکومت جدید امریکا برفکتور های منطقوی هم توجه خود را متمرکز خواهد کرد و چنانچه خانم کلنتون وزیر خارجه جدید امریکا اظهار میدارد که تروریسم به یک خطر جدی تبدیل شده و ما

- خواهان همکاری های منطقه ای در مبارزه با آن هستیم . " با این وجود باید منتظر بود و دید تا جزئیات استراتژی جدید امریکا روشن شود و در عمل به چه صورت پیاده می شود.
- در این میان خواست ها و انتظارات مردم و جامعه و سیاسی افغانستان از آقای اوبا ما و حکومت وی قرار ذیل است :
- 1- تعهدات جهانی در عرصه انهدام لانه های تروریستی و سرکوب القاعده و گرفتاری اسامه بن لادن و سایر رهبران این سازمان تروریستی عملی گردد و پاکستان و ادار شود که مسولیت های خویش را در این زمینه به درستی و شفافیت انجام دهند.
 - 2- قوای مسلح افغانستان تقویت و تجهیز گردد و وضعیت حقوقی نیروهای خارجی در افغانستان تثبیت گردد .
 - به بازسازی ، فقر زدایی و توسعه و اقتصادی و اجتماعی توجه عملی مبذول گردد و به سواستفاده از کمک های بین المللی خاتمه داده شود .
 - 3- اجماع و مساعدت کشورهای منطقه از جمله روسیه ، ازبکستان ، تاجکستان ، ترکمنستان ، قرغی زستان ، هند ، چین ، ایران و پاکستان در عرصه های امنیت و بازسازی افغانستان ، مبارزه برضد تروریسم و افراط گرایی و تولید و قاچاق مواد مخدر تامین و تحکیم گردد .
 - 4- به حاکمیت ملی افغانستان احترام گذاشته شود و در انتخابات ریاستی و پارلمانی از نیروی دموکراتیک ، متریقی و ت حول طلب قاطعانه حمایت به عمل آید تا یک حکومت ملی ، دموکراتیک و اداره ، کار آمد ، پاسخگو و خدمت گذار مردم پا به عرصه وجود گذارد .
 - 5- به نقش سازمان ملل متحد در حل مسایل کشور ارتقا داده شود و به چند گانگی و اختلافات ذات البینی جامعه و بین المللی در زمینه حل مسایل افغانستان پایان داده شود.
- در فرجام باید خاطر نشان کرد که عملی ساختن کار ها و راهکار های فوق منوط و مشروط به این امر است که حکومت اوبا ما سیاست و رویکرد ایالات متحده را در مسئله افغانستان بازنگری کند و تعهدات این کشور را در برابر افغانستان به گونه و درست و شفاف عملی سازد .

بقیه مقاله قدرت طلبی یا عدالت پسندی با صفحه اول

دیروز و دیروزی ها خوب بود امنیت بود، ارزانی و فراوانی بود . درس ، مکتب، مدرسه ، و تحصیلات عالی بود . صحت بود . و مرد و زن یکسان برای ترقی ، عدالت ، سعادت مادی و معنوی انسان کار می نمود . روسای جمهور ، صدراعظم و وزیران خود را جز و جامعه می دانستند . نمونه شده از دیگران هم میخواستند تا صادقانه کار کنند تا جامعه پیشرفت کند و به موازات ان همه به حیث جز متشکله جامعه به سهم خود پیشرفت و ترقی نموده و به رفاه می رسیم به همین لحاظ از ان ها شرکت شخصی ، قصر شخصی ، بلند منزل شخصی ، شهرک شخصی ، سرمایه شخصی و باقی نمانده است .



فرق مبارزه برای قدرت و مبارزه برای عدالت در همین امر نهفته است .

قدرت طلبان به مردمی که انانرا به قدرت رساند پشت کرده ، ثروت مادی را که دیروزی ها در یک عمر بدست آورده نتوانستند یکشبه صاحب شدند . و امروز به طبقه مسلط اقتصادی و جزیی از اجزای قدرت در جامعه تبدیل شده اند شرکت های شان در داخل و خارج فعالیت دارد از پول های شان بانک های خارج مملو است سرماخوردگی خود و فامیل شان در خارج تداوی میشود . ایام رخصتی و فراغت شان را در اروپا ، امریکا ، و شیخ نشین های خوش و اب و هوای خلیج سپری می کنند . قدرت و حاکمیت سیاسی را در ساختار دولت رئیس جمهور و معاونین و کابینه تشکیل می دهد . اینان هیچکدام و همچنان احزاب مربوط شان از دست اوردهای خوب دولت اگر وجود

داشته باشد یا که بد ان نمی تواند مجزا و مبرا مط العه شود مخالفت شان به تنهایی ، یا به حیث یک حزب یا در کل به حیث جبهه علیه دولت تحت رهبری هر نامی که باشد به خاطر قدرت طلبی بیشتر است نه عدالت بهتر.

طوری که گفته امیدیم نیروهای ترقی خواه ، عدالت پسند ، و طرفداران سعادت مادی و معنوی مردم در عوض همونا شدن با ای ن قدرت ها و سپیم شدن در مبارزه قدرت باید با مردم همصدا شوند .

مردم دولت را نا کار آمد و دست اوردهای انرا ناکافی بلکه هیچ می شمارد و در مبارزه قدرت و سازش ها برین مینا ، منافع مردم که روز به روز بزییر خط فقر رانده می شوند فراموش می گردد.

نتیجه اینکه یکطرف جبهه قدرت طلبان و مبارزه بر سر قدرت و طرف دیگر جبهه جانب دار مردمان زحمتکش و مبارزه عدالت خواهی قرار دارد در بین ایندو باید یکی را انتخاب کرد هیچ مغز سالم به جز راه مردم را بر نمی گزینند . در لحاظات کنونی که کار و وحدت بین احزاب نهضت فراگیر و متحد ملی با صداقت کامل جریان دارد عده ای طرح این مسایل را ضروری نمی دانند . و انرا صدمه رسان به پروسه وحدت می پندارند و عده ای دیگر بحث بر این مسایل را دارای اهمیت اصولی دانسته به موقع و ضروری می شمارند تا راه ها و سیاست ها بدرستی تشخیص شود . به همین دلیل در طرز العمل پروسه وحدت نظر خواهی روی اسناد اساسی پیش بینی شده است . و دیدگاه ها و مبانی فکری قبلا در مطبوعات به نشر سپرده شده است عنقریب اسناد اساسی نیز در مطبوعات راه خواهد یافت.

بحث را ادامه می دهیم تا جائیکه منافع مردم و تامین همکاری وحدت عمل و اتحاد سیاسی نیرو های ملی و وطنپرست ترقی خواه ، عدالت پسند و تجدد گرا به خاطر ساختن یک جامعه دموکراتیک و مدنی ، پیشرفته و عادلانه مطرح است این مساله وضاحت دارد . کسانی که متفقا با فوج پاکستان برای ایجاد قدمه تصرف کابل به خاطر تحقق صوبه پنجم به جلال اباد حمله کردند . با انرایکه در

عوض دولت سازی در خرابی شهر کابل و به شهادت راس اندن هزاران هموطن ما سهیم هستند یا کسانی که در دست بردن ها، سنکسار کردن ها، به دار اویختن ها و تخریب مجسمه های بامیان شریک هستند یا انانیکه منافع شخصی و گروهی را بر منافع ملی ترجیح داده، ذخایر ملی، را در بنادر و ا رگان های دولتی غارت کردند یا کسانی که اردوی باوقار ملی را از بین بردند. تخنیک، وسایط، سلاح و تجهیزات انرا در بازارهای پاکستان به حراج گذاشتند .

اپارتمانهای مکرویان، حویلی و دکاکین شخصی و زمین های زراعتی مسلمان و هندو را که در اثر جنگ های تنظیمی در داخل و خارج کشور مهاجرت نمودند نه تنها چورو و چپاول کردند . بلکه قیاله و اسناد جعلی ترتیب دادند که مالکین اصلی ان تا امروز سرگردان در ادارات هستند زیرا فساد و از فساد حمایت می کند . در جبهه چپ دموکراتیک شامل عناصر ملی وطنپرست، ترقی خواه، تجدد گرا و عدالت پسند جای ندارند .

مساله قابل بحث اینکه با بر قراری حاکمیت استبدادی امین پس از ثور 57 صف مبارزه برای عدالت با صف مبارزه برای قدرت از هم جدا شد . بدنه اصلی حزب که عدالت پسند بود در وضعیت بد قرار گرفت رهبران تحت نام سفارت تبعید شدند . سلطان علی کشتمند صدراعظم وقت و سایر ین به زندان انداخته شده شکنجه شدند و هزاران عضو حزب که علیه استبداد قرار داشتند از وظایف سبکدوش و تحت پیگرد قرار گرفتند . زندانی، شکنجه ، تیر باران و زنده زیر خاک شدند (روح همه شان شاد) در نتیجه پایه اجتماعی حزب تضعیف، ارد و از وجود کادر های ملی و وطنپرست تصفیه گردیده ضعیف شد . بنابر همین وضعیت حزب نتوانست با حرکت های خود جوش ضد استبداد ارتباط بر قرار کند در عوض سازمان استخباراتی ای اس ای به تنظیم سازی غرض تحقق صوبه پتجم و سمت دادن حرکت های خود جوش درین استقامت با مشاوره های سی ای ای صرف پول و دالر های ارتجاع عرب، ازاد سازی مجرمین محکوم به اعدام در گوشه جهان و سهم دادن شان در فعالیت های تخریبی را سازمان داد که "دگروال یوسف" به مثابه مجری انرا افشا نموده است . کشیدن پای قدرت های شوروی در جال افغانستان چنانکه برژنسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور انوقت ایالات متحده امریکا فاش نموده است هم با اساس پلان سی ای ای به منظور گرفتن انتقام ویتنام پهن شد . حفیظ اله امین به حیث مهره اصلی و مورد اعتماد با مطالبات مکرر قوت نظامی از دولت وقت شوروی زمینه تحقق عملی انرا فراهم ساخت . قدرت طلبان ازین مساله تا هنوز در تبلیغات تفسیر ها و تحلیل ها علیه عدالت پسندی استفاده می برند . طرح فوق خدا نخواست که گرفتن کدام حزب یا نا دیده گرفتن استقلال سیاسی ان نیست و نباید چنین تلقی هم شود . هدف و منظور صحت و سرعت پروسه وحدت است . اگر این مسایل مورد بررسی حزبی قرار گیرد نتایج سودمندی حاصل می شود .

یک دست آورد دیگر برای ورزشکاران کشور



اعضای تیم ملی کریکت افغانستان پس از پیروزی در مسابقات کریکت آرژانتین در بازگشت به کشور با استقبال گرم مردم و هواداران خود مواجه شدند.

تیم کریکت کشور در دور سوم بازیهای مقدماتی آرژانتین برای راهیابی به مسابقات جام جهانی ۲۰۱۱ با یک باخت و چهار برد، به مقام نخست این بازیها دست یافت. اعضای این تیم در فرودگاه کابل به ابراز احساسات صدها هوادار خود با تکان دادن جام قهرمانی بازیهای آرژانتین پاسخ دادند.

جاوید صرمیم، سخنگوی این تیم، مقامهای بلندپایه دولتی را به دلیل این که ب رای استقبال از بازی کنان تیم کریکت به میدان هوایی کابل حضور نیافتند، متهم به "برخورد دوگانه" با ورزشکاران کرد.

نوروز منگل کاپیتان تیم کریکت ضمن انتقاد از اشتراک کم رنگ مقامات دولتی در استقبال از ورزشکاران گفت: "اگر از ما استقبال شود یا نشود، جام قهرمانی مسابقات آرژانتین به مردم افغانستان تعلق دارد و اعضای تیم کریکت به قهرمانی این بازیها دست یافته اند." حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان پیروزی تیم کریکت را "یک دستاورد و افتخار" برای کشورش خوانده و به وزارت مالیه دستور داده است که بودجه ویژه ای را برای تشویق اعضای این تیم اختصاص دهد و شماری از بازیگاران افغان هم گفته اند که اعضای تیم ملی کریکت را مورد حمایت مالی قرار می دهند.

پیش از این مسئولان فدراسیون کریکت افغانستان دولت را مورد انتقاد قرار داده بودند که امکانات لازم را برای کریکت بازان فراهم نکرده است. تیم کریکت افغانستان برای بازی در آخرین دور مسابقات رقابتی برای راهیابی به مسابقات جام جهانی ۲۰۱۱ ماه اپریل آینده راهی افریقای جنوبی خواهد شد.

کریکت بازان افغان پیش از این در بازیهای کریکت تانزانیا و جزیره جرسی بریتانیا، در دورهای چهارم و پنجم بازیهای مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۱، شد هم به مقام نخست دست یافته بودند

روند زندگی برای مبارزان آموزگار بسیار خوب است

محمد یعقوب "هادی"



این بحث را از مخرج مشترک همه تفکرات در باره انسان آغاز میکنیم. انسان ذی حیات صاحب عقل و شعور یک موجود اجتماعی است، که در گرو عقل و هوش به زندگی خود ادامه میدهد. در مقوله گفته اند که انسان در عملگردهایش خود اختیار است. چنین است. این خود اختیاری او هم در بند عقل و هوش او قرار دارد. یعنی آنچه فکر میکند و یا می اندیشد انجام میدهد. هیچ موجود انسانی فراتر از اندیشه اش عملی را انجام داده نمیتواند.

اندیشیدن ناشی از تجربه و اهتمام به عمل دیگر است. از همین سبب است تفکر انسانها در مراحل حیات متکامل میگردد.

هرگاه به این انکشاف و تکامل فکری وسیعتر نظر انداخته شود ملاحظه میشود که مراحل تاریخی حیات انسان در تطابق با عقل هوشش تکوین شده است. لذا انسانها در نتیجه تکامل و تحول فکری خود انسان و سیر و حرکت زمان در موقعیت حاضر قرار دارند.

البته که این سیر و حرکت، تکامل و تحول فکری انسان آمیزه علت ها و عواملی است که در متن و محتوای تفاوت های تنوع مادی حیات انسانی در جوامع مختلف اکنون مشاهده میگردد.

از آن میان ما، یعنی مردم افغانستان از قدیم نسل در نسل، نسبت به مردمان ملل و جوامعی پیشرفته از لحاظ تنوع مادی حیات در یک تفاوت بسیار فاحش قرار داریم. امروز وضعیت دلخراش مردم و حالت نا به سامان کشور در همه ابعاد حقیقت مستدل آن است. برای تعریف این وضعیت هرگاه تمام کلمات تاثیر و تالم را، تمام واژه های درد ورنج را و تمام عبارات فریاد و زجه را هم اگر ردیف نمائیم، با وجود آنهم برای بیان وسعت دوزخ سرنوشت مردم ما و کشور ما کم میاید. اما برای توجیه این یادداشت همینقدر باید گفته شود که در درازنای تاریخ ما یعنی مردم افغانستان قربانی استیلائی ستم گران و ظالمان از خود و بیگانه شده ایم. دین مذهب ملیت قوم قبیله زبان سمت و بسی مشخصه های معرفت و شناخت انسان بر ضد سعادت انسان سر زمین ما یعنی افغانستان بکار رفته است و هنوز این مشخصه ها در دست صلاح کاران داخلی و خارجی سرنوشت انسان زادگاه ما خصوصیت افزاری دارد.

همانگونه که شرح حال مردم ما را تاریخ گواه است. ما نیز امروز آنچه به مردم میگذرد شاهد آن هستیم. از اینجاست که باید گوش به آواز زبان تاریخ به اوقات جاری دقت نماییم. در اوضاع جاری از هر جا که سخن را شروع کنیم. بیان حال و احوال ما بسبب دلخراش است. لذا وقتی به ناهنجاری ها انگشت گذاشته میشود صلاح کار را نیز باید سنجید. پس در این باره سخن را از سوالیه؟ انتخابات باید آغاز کرد. که آیا این انتخابات در موعد معین برگزار خواهد شد و یا خیر؟ این پرسش وابسته به آنست که صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان میتوانند هر دو وضعیت را با اعمال نفوذ به مجاری قانون سازی، قانونمند بسازند. یعنی هم برای برگزاری آن بوقت معین و هم برای به تعویق انداختن آن با معاذیر حتی غیر قابل قبول تدبیرشانرا جامعه عمل بیوشانند.

از آنجائیکه میدانیم صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان با در نظر داشت منافع دراز مدت و کوتاه مدت خود تدابیر شانرا در منصفه اجرا میگذارند. پس روشن است که بگو مگو ها بالای تعیین تاریخ معین شده انتخابات توسط قانون اساسی بطور ثانی جنجالی است میان صلاحیت کاران خارجی و داخلی سرنوشت کشور و مردم که با برگزیدن یک شخص سمبولیک هم آرزوی، آرزومندان قدرت و هم منافع بیرونی ها و درونیها ی وابسته به حلقات بیرون را تحقق خواهد بخشید.

در این ارتباط از مدتی رفت آمد های اشخاص و افراد وابسته به صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان به خارج و از حامیان شان به داخل جریان دارد. تعدد قابل شمارش اشخاص انفرادی در لست کاندیدان ریاست جمهوری، در مفهوم یک پدیده غریب باز هم بی حساب است. صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان میخواهند این ذهنیت رادر جامعه تلقین نمایند که هر کس را صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان خواسته باشند به قدرت بیاورند فقط همان میشود. زیرا این تلقیات و تلقینات به معنی نفی مردم است که از طرف حلقات موظف به مثابه جنگ روانی و امید کش پیش برده میشود.

باید گفته شود که در میان اشخاص انفرادی شخصیت های وجود دارند که با انگشت گذاشتن روی مشکلات، کمبودی ها، ضعف ها و نواقص از گروه چپاولگران و ستم کاران هویت مجزا دارند. اما به نسبت اینکه فجایع برای افراد عادی جامعه هم بسیار مشهود است این موقعیت یابی شخصیت شدن آنان آنچنان طبعی نیست که اطمینان بخش باشد. مخصوصاً که با اشخاص باد آورده شده از سوی غرب یکجا در عرصه سیاست کشور حضور یافته اند.

از جهت دیگر این تلقینات (دست باز صلاحیت کاران خارجی امور کشور) توجه مردم را از مجموعه های متعهد انحراف داده به طرف اشخاص انفرادی که با پراشوت سود جویان در کشور دیسانت شده اند معطوف میسازد. و با این شیوه، صلاحیت کاران خارجی امور کشور با به تقلیل بردن نیروی تعیین کننده مردم (از طریق کشتن امید در وجود مردم) ادامه حاکمیت ستم کاران را

مساعد میسازند. بقیه در صفحه (8)

بقیه از صفحه (7)

این در حالی است که ما میدانیم جوامع پیشرفته صرف نظر از نوع نظام ها، همه محصول کار احزاب ویا مجموعه های سیاسی است. مگر در کشور ما صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان لنگر را برای به قدرت رسانیدن اشخاص و افراد ویا گروه های مسلح خود ساخته خودشان انداخته اند. آنان را به قدرت میرسانند. بعد برای آنان از شبکه های مختلف خود تیم کاری میسازند. در نتیجه میان آنان اختلاف منافع بوجود میاورند. و وضعیت را در این چنین نوسانات نگه میدارند و از آن خود شان بهره میگیرند.

در نظر باید داشت که تعدد مجموعه های سیاسی با اهداف همگون نیز کار صلاحیت کاران خارجی امور افغانستان است. و این تدابیری است که متأسفانه بالای نیرو های مترقی چپ نیز اثر گذاشته است. اما با وجود آنهم تفکیکی میان این مجموعه ها وجود دارد. لذا گفته می توانیم مجموعه های سیاسی در کشور ما دو نوع است. یکی مجموعه های متشکل متعهد و دیگر مجموعه های متشکل غیر متعهد اند.

مجموعه های متشکل غیر متعهد دارای کدام برنامه، پلان و دور نمایی نیستند. منافع مقطعی خود را در نظر دارند. بقای خود را در اندوخته های مادی برای خود از هر نوع امکانی که میسر باشد میدانند. این مثال ها در کشور ما قابل مشاهده است. مجموعه های متشکل متعهد مجموعه های استند، که دارای اهداف دراز مدت برای مردم و کشور استند. برنامه های علمی کار دارند. نسبت به مردم و کشور متعهد میباشند. بقای خود را در کار به نفع مردم و کشور میبینند. این چنین تشکل در وجود نیرو های صادق در کشور ما آزمایش شده است. مردم افکار، گفتار و کردار این نیرو ها نیز مشاهده کرده اند. قدر مسلم اینکه دیروز این نیرو ها حقیقت بود. بلی دیروز، این نیرو ها در میان تضاد های حاد جهان دوقطبی در شرایط بس دشوار شدت جنگ سرد در میدان مبارزه به آزمایش گرفته شد. در مسیر مبارزه و کار تا راس قدرت در کشوری که حاکمان در گرو خارج اصلاً زیر بنائی هم در مملکت نریخته بودند. چرخ حکومت، دولت و قانون را در جغرافیای کشوری به وجه خوب به دوران گذاشتند. البته که جنگ تحمیلی را با یک دست دفاع نمودند، که معنویت آن ثبت اوراق تاریخ واقعی افغانستان خواهد بود. اما با دست دیگر دست آورد های را به جامعه عرضه کردند که گاه گاهی مخالفین این نیرو ها هم از ضمیر شان حکم اعتراف میگیرند و اینجا و آنجا از این دست آوردها و صداقت مثال میزنند. بلی مردم دیدند و قضاوت میکنند که بزرگترین قدرت های اقتصادی جهان برای آنان چه هدیه داد و این نیرو ها در راس یک دولت در حال محاصره اقتصادی این قدرت ها چه دست آوردی برای آنان داشت.

با این حال وظیفه این است که امروز خود را این نیرو را نیز حقیقت ثابت نمایند. آنچه حقیقت امروز این نیرو ها را ثابت میسازد این است که دست بدست هم، و شان به شان کشتی سرنوشت مردم را به ساحل خوشبختی برسانند. و لذا برای این هدف وحدت همکاران و هم اندیشان بسیار حتمی و ضروری است. این خواست با درک دقیق از واقعیت های جامعه ما باید انجام شود. به نظر این قلم حضور جوانب متضاد سیاسی و واقعیت های جامعه ما از لحاظ سیاسی است که باید قابل درک باشد. حقیقت را به کرسی نشاندن بلروحیه خود شیفتگی میسر نمیشود. لذا گزینه های اتحاد و ائتلاف و شمولیت در تدابیر سیاسی در حقیقت ترک انزوای سیاسی و شکل دادن به وضعیت سیاسی است. باید در میان حوادث شنا نمود. لذا نباید شنا در میان حوادث یعنی اقدامات و تدابیر سیاسی مجموعه های متعهد در میان نیرو های رفیق و هم اندیش سوال بر انگیز باشد. شاخص ائتلاف ها و اتحاد ها نباید موانع احساساتی را در راه وحدت نیرو های رفیق و هم اندیش خلق نموده و این نیرو ها را از رسیدن به اهداف اساسی باز دارد.

در نتیجه گیری این یادداشت در حالیکه روند این مباحثه از دیدگاه سایر عزیزان نیز پیگیری خواهد شد باید گفت با اساس این مسایل است که دو سازمان متشکل و متعهد (ن ف د ت ا و ح م م ا) با درک واقعیت های جامعه حقیقت خود را ثبت تاریخ نموده اند. به نظر این قلم باید به اساس ضرورت وقت و زمان این پروسه تسریع گردد. و طرز العمل سه مرحله اکمال وحدت با تعیین وقت معین ساخته شود. این تدابیر از یک جهت قاطعیت را در امر وحدت منعکس میسازد و از جانب دیگر آماده گی ها را در قبال تدابیر و اقدامات حاد سیاسی مانند انتخابات ریاست جمهوری و متعاقباً انتخابات نمایندگان و شورا ها با طرح پلانهای واحد تقویت مینماید. اکمال فوری این پروسه نقش احزاب سیاسی را در آینده تدابیر سیاسی مطرح میسازد. زمینه وحدت و همسوئی سایر نیرو های هم اندیش را میسر مینماید. لذا آینده با تدابیر فعال سیاسی و نقش احزاب استقبال گردد..... ختم

ابراز سپاس :

**و احترام سید جبار رئیس شرکت سید جمال کار پوریشن یکتن از تاجران ملی و با احساس ، یکساله کرایه دفتر شورای ولایتی نهضت فراگیر را در شهر مزار شریف که مبلغ 96000 افغانی میشود کمک نموده است ، ازین همکاری و وطندوستانه شان سپاس و تشکر بعمل میاید بامید موفقیت های مزید شان .
(دفتر مرکزی نهضت فراگیر)**

پیروزی ما در وحدت ماست

"صادق روزبه"

از همایش و گفت‌وگو وسیع و بزرگ که بتاريخ دهم عقرب سال 1386 بنا بر ابتکار نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان بخاطر همبستگی نیرو های ملی، دموکراتیک و ترقی خواه کشور در شهر کابل تدویر یافت یکسال می گذرد. درین مدت نهضت با قاطعیت تمام از فیصله نامه ان همایش حمایت کرد و باور مند بوده و می باشد که بالاخره اتحاد و همبستگی نیرو های ملی و دموکراتیک تحقق می یابد و این نیرو ها بنا بر رسالت تاریخی و ملی که دارند به این خواست شریک کنونی کشور ما که همانا همبستگی و یکپارچگی ان ها می باشد جواب مثبت ارایه می دهند.

این خواست برای بار اول توانست در نتیجه تلاشهای یک ساله نهضت فراگیر و حزب متحد ملی در ملاقات دوستانه و تاریخی 22 عقرب 1387 رفقا نور الحق علومی رئیس شورای عالی حزب متحد ملی افغانستان و شیر محمد بزرگر رئیس مجلس موسسان نهضت فراگیر و دموکراسی و ترقی افغانستان و بیانیه مشترک ان ها بازتاب رو شن یابد این ملاقات تاریخی و دوستانه ای دو حزب برادر نتیجه ان همه تلاشهای وطندوستانه رهبران و اعضای حزب متحد ملی افغانستان و نهضت فراگیر و دموکراسی و ترقی افغانستان می باشد که در روشنی ان شورای های ولایتی هرات و لغمان و شورای های اروپایی برای دست یافتن بوحدت سازمانی تفاهم و توافق خود را ابراز نمودند. مشترکات اندیشوی و سازمانی هر دو حزب موجب می گردد تا نسبت بمردم و جامعه تفکر یکسان و همانند داشته و میتوانند بخوبی بسوی تدویر کنگره خویش گام بگذارند.

خطوط کلی دیدگاه ها و مبانی فکری نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی افغانستان که بتاريخ اول قوس سال جاری انتشار یافت، تفکر و اندیشه های این دو حزب دموکراتیک و ترقی خواه کشور را نسبت بمسائل و وظایف ملی و دموکراتیک بخوبی بیان می دارد که یک دست آورد بزرگ سیاسی جنبش دموکراتیک و ترقی خواهانه کشور بشمار می رود. در خطوط کلی چنین می خوانیم.

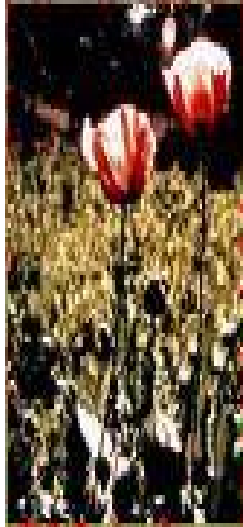
" از نظر ما در اوضاع و احوال کنونی مهمترین و میرمترین وظیفه ای که در برابر نیرو های ترقی خواه کشور قرار دارد . این است که با در نظر داشت درس های تلخ از چند گانگی، انقطاب و رویارویی نیرو های همسو و دارای ارمان های مشترک در گذشته که بالاثرفر قسمت اعظم از ابتکار و انرژی یک نسلی از وطنپرستان و مبارزین راه آزادی و سعادت انسان در کشمکش های داخلی به هدر رفت با درک مقتضیات زمان و واقعیاتی سیاسی در یک سازمان واحد سیاسی متشکل شوند و با حضور فعال متحدانه و یکپارچه در مبارزات سیاسی و اجتماعی مرحله کنونی و سمت دهی دگر گونی های جاری در جهت دموکراتیک رفاه عامه و عدالت اجتماعی، تعهدات و دین خود را در برابر وطن محبوب ما افغانستان و مردم رنج دیده ان به انجام رسانند. تجربه نشان داده که هیچ نیروی ملی و سیاسی و وطن دوست به تنهایی قادر نیست تا ان وظایف و رسالتی که در برابر وطنپرستان صدیق کشور ما قرار دارد شرایط کنونی به انجام ان نیاز جدی دارد موقفانه انجام بدهند بدین لحاظ همبستگی کلیه نیرو های ملی و دموکراتیک کشور این زمینه را مساعد می سازد تا کشور ما با حضور فعال سیاسی این نیرو ها و متحول ساختن حکومت ها و دولت ها بسوی ترقی، پیشرفت، دموکراسی عدالت اجتماعی و رفاه همگانی س مت داده شود و بخاطر رنجهای بیکران خلق های ستمدیده افغانستان پرچم مبارزه ازادی خواهانه و ترقی خواهانه را تاقلل بلند پیروزی شجاعانه بدوش کشند.

بقیه سرمقاله از صفحه اول

طالبان به نیروی خطرناک در منطقه تبارز نمود و ساحه فعالیت دهشت افگانه شان از مرز افغانستان در عمق خاک پاکستان گسترش یافت و نا امنی روز تاروز در افغانستان بیداد میکند. فساد در تارو بود دولت مانند تار عنکبوت دویده در جهت فقر زدائی و بهبود زندگی مردم کار ملموس بمشاهده نمیرسد و ملیاردها دالر کمک جامعه جهانی بجیب چپاولگران سرازیر شده و یک قسمت اعظم ان از طریق قرارداد های کلان و معاش کارمندان و مشاورین خارجی دوباره به خارج بر میگردد . بمبارد های کورکورانه نیروهای انتیلاف فاصله بین مردم و جامعه جهانی را ب بیشتر میسازد و از نتایج کمک های مالی زندگی مردم تغیر نیافته فقر ابعاد وسیعتر پیدانموده به گذارش ملل متحد امسال 80 فیصد نفوس کشور زیر خط فقر آمده است . در یک کلام که در ناکامی مبارزه علیه تروریزم و تامین امنیت و قطع جنگ هر دو جانب باندازه یکسان تقصیر دارند که اینک با متهم ساختن یگدیگر میخواهند افکار عامه مردم را به جهت های برائت شان سمت دهند .

هرگونه تغیر در پلان های ادامه جنگ القاعده و تروریزم باید با تدابیر مشخص در جهت فقر زدایی، اشتغال آفرینی و بهبود زندگی مردم همگام باشد که از طریق تولیدات داخلی، انگشاف زراعت و صنایع داخلی، اولویت دادن در تاسیسات زیر بنائی مانند احداث خطوط مواصلاتی و تامین انرژی و استفاده از منابع طبیعی، استفاده از کادریهای وطن دوست، پاک و دلسوز ملی میسر است و بس .

با آفت سفید باید مجدانه مبارزه کرد



اسدالله "نورزاد"

هیروئین این ماده خطرناک در قرن حاضر از محدوده چهار کشور پافراتر نهاده و هستی جهان بشریت را تهدید میکند ، اگر کشور های چون برما و افغانستان به مثابه تولید کنندگان این آفت سیاه در صدر جدول قرار دارند . مرا عقیده بر آنست که جرم کشورهای دیگر جهان کمتر نیست مگر چطور مقرر و ممکن است آنعه کشور ها بالاخص کشورهای صنعتی جهان که از نظریه ساینس و تکنالوژی مدرن به صوب کره مرخ راه یافته اند بخاطر نجات بشریت از این هیولای وحشت نمیتواند جدیت بیشتر در جهت رهائی به خرج دهند.

مبارزه علیه این پدیده منفی و من فیر را مردم ما از طریق رسانه های جمعی و مطبوعات چون نشر پوستر ها ، پلاکارت ها ، تبلیغات بصری چون نمایشنامه ها از طریق تلویزیون طی چند سال اخیر بیشتر مشاهده نموده اند.

چیزی که مردم ما را بیشتر از پیش به تعمق و امیدارد و این اندیشه در اذهان مردم ما قوت می گهی دانست که آیا برای علاج و بیرون رفت از این پدیده مخاطر یعنی زرع و قاچاق این ماده مهلك تاکنون مجرد امور آیا دلسوزانه و مسولانه عمل نموده یا خیر ؟ اگر چنین بوده دست آوردهای آن تاکنون قابل لمس بوده ؟ آیا از سالهای پار تا همین اکنون فیصدی آن کاهش یافته ؟ اگر محسوس بوده آنها کدام ها اند . به یقین که پاسخ م نفی خواهد بود . قرار اطلاع موثق صفحات غرب ، جنوب غرب و شمال ، صفحات جنوب شرقی و شرق کشور دست بلند داشته است ، این ساحات به مرکز داد و ستد این ماده زهر آگین مبدل شده و حتی طور آزاد در دکاکن خرید و فروش صورت میگیرد در حقیقت این امر نه تنها از نظر شریعت اسلا می مردود است بلکه شیوع و ترویج آن با دنیای امروز وانسان و انسانیت در تضاد است.

با در نظر داشت این واقعیت آیا مسولین امور بدرجه اول وزارت مبارزه با مواد مخدر ، بموازات آن معنیت مبارزه با مواد مخدر در چوکات وزارت محترم امور داخله و بعداً کمیسیون مبارزه با مو اد مخدر بشکل مثلث که در چوکات تشکیلات اداری دولت

الملی از از لحاظ وجوه شان توفیقات داشته اند؟ تعداد جلسات ، سمینارها مرفور راه اندازی نموده ارزیابی و بررسی مصارفاتی آنقدر درشت ناتوان ما که به کمک تا کشور ویران شده اداره دولتی همچنان حساب دهند و به یقین از واقعیت را نمیتوان و زر و تفنگداران غیر عواملی اند که پروسه و کندی مواجه نموده



فعالیت دارند در همکاری با نهادهای اجتماعی و بین مالی میتواند مدعی باشد که در قبال فعالیت های عملی این تشکیلات با پهنای وسیع آن از ابتدای ایجاد آن چه و ورکشاپ ها را بمنظور توفیق یابی در محو این پدیده اند ، اگر از لحاظ مصارفات پولی موضوع مورد قرارگیرد شاید رقم مقایسه با دست های آن با وجود باشد که از تصور ما خارج خواهد بود . در کشور فقیر و های بلاعوض و قروض کشورهای خارج م تکی هستیم خویش را بازسازی نمای م ، مراجع مسول در چوکات موسسات خارجی ، انجووها باید به سهولت و با شفافیت آنها حساب گرفته خواهد شد . من با این باورم و این کتمان داشت که سو استفاده از قدرت توسط اربابان زور مسول چه در مرکز بیشترین آن در بیرون از مرکز از ریشه کن ساختن مواد مخدر را به بن بست و موانع جدی است.

نهادهای دولتی و مراجع و صادقانه توقع دارد که نخواهد داشت تا علیه آن

فایق آمد . نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان از آغاز بن روزهای ایجادش کما کان نقاط نظر مشخص درین راستا داشته و خواهد داشت و مبارزه پیگیری را درین راه دنبال خواهد کرد و این امر از اهم وظایف و در محراق توجه خویش قرار خواهد داد . سوالی مطرح میشود که این جهاد مقدس را باید از کجا آغاز گرشد و باچه طرق ممکن آنرا باید به پیش برد؟ این جهاد سترگ و این ما مول برحق آیا میشود توسط کادر های ضعیف و فاقد تقوی و ناتوان بمنصه تطبیق قرارگیرد ؟ به یقین مقدر نخواهد بود

بقیه در قحه (15)

صفحه ادبی

اشتی

گریستن
هرچند نیست بی سبب از غم گریستن
باید ز شرم دیده بی نم گریستن
تاکی به رنگ طفـل مزاجان روز
بربیش شـاد بودن و برکم گریستن
سامان گریه هم به کف گریه دادن است
یعنی به چشم اشک چو شبنم گریستن
در عرصه وفا، عرق شرم همت است
از زخم تـازه در پی مرحم گریستن
شاید گلی ز عالم دیدار بشگفتد
تا چشم دارم انینه خواهم گریستن
یک ذره زین بساط ندارد سراغ امن
باید چو ابر بر همه عالم گریستن
"بیدل" اگر چه نیست جهان جای خنده لیک
نتوان به پیش مردم بی غم گریستن

اشتی را خاموش کنیم
تفنگ ها را کنار بگذاریم
خانه ها از کینه و دشمن بروییم
در گفت و گو را بسته اند
از دریچه آشنایی به دیدار بشتابیم
آخر آن که بر خاک می افتد
این جا و آن جا
سر باز و پاسدار و پیشمرگ
پدر پیر من
مادر ارزومند تو
خواهر دم بخت من
و برادران بالنده اند
اشتی را
با همه جان
و با همه مصائبش
جسورانه و با جرئت
اعلام کنیم
اعمال کنیم
و آرامش را برای هر دو سوی خانه
برای وطن
با بوسه و مهربانی
به ارمغان آوریم
تا گردهم
سرود دوست داشتن را
بزبان خود بسراید

(سیاوش کسرائی)

جرئت پرواز برق خرمن اسودگی است
یگ جهان اشفتگی در بال و پر داریم ما

رهبری و مدیریت

در تاریخ زندگی اجتماعی انسان کمتر فعالیتی به اندازه اداره سازمان و رهبری امور جامعه اهمیت داشته است زیرا که انسان با اداره بهتر انواع سازمان های اجتماعی، اقتصادی و تولیدی از طریق اجرای وظایف پلانگذاری سازماندهی هدایت و کنترل فعالیت های متفرق و پراکنده افراد و همچنین ایجاد ارتباطات مناسب سازمانی قادر خواهد بود با صرف حداقل مصارف ابعاد کمی و کیفی تولید و خدمات را تا حد اکثر افزایش دهد و در نتیجه نیازهای بیشتری از مجموعه نیازهای خود و بالاتر از همه مسئولیت های اجتماعی و وظایف سپرده شده را بر آورده سازد.

روی این ملحوظ رهبری و مدیریت بهتر در دستور کار مسئولین امور و ادارات اصلاحات اداری در بخش های دولتی و خصوصی قرار گرفته است تا جائیکه بر علاوه ایجاد و فعال ساختن رشته های اداره و منجمنت در انستیتوت ها و پوهنتون ها، سعی می گردد تا با تدویر کورس ها و سمینار های آموزشی مسئولین و کارمندان ادارات مختلف طرق بهتر و مؤثر تر رهبری و مدیریت را بیاموزند.

اگر چه مسئولین دولتی و حامیان خارجی سیاست های کنونی در دولت افغانستان ضعف مدیریت و پائین بودن ظرفیت های اداری را از جمله عوامل اساسی و عمده در ایجاد بحران های موجود کشور کندی پیشرفت امور میدانند که نمی توان با این نوع نظرات طور همه جانبه موافق بود زیرا که:

عقب ماندگی دیرینه و سطح پائین رشد نیروهای مولده و عقب ماندگی های ذهنی و فکری در جامعه دارای عوامل متعددی میباشد که از جمله متیوان به مداخلات و فشارهای نیروهای استکباری و جهانخواران بر ملت های مظلوم، عدم موجودیت ادارات خدمت گذار و جواب ده در برابر مردم را طور مثال ذکر کرد زیرا نیروهای ضد ملی و ضد دموکراتیک که در ادارات رهبری و مسئول جامعه مسلط میباشند با همکاری با داران اجنبی خویش نمی خواهند ظرفیت های اداری و رهبری کننده در سطح جامعه ارتقاء یابد و در وقت استخدام و جابجایی کادر ها بیشتر به وابستگی های شخصی و اطاعت و فرمانبرداری کارمندان نسبت به دستگاه مسلط در جامعه توجه میکنند نه به سطح آگاهی ملی و وطن دوستی و آگاهی از منافع علیای وطن و مردم مسئولیت پذیری در برابر وظایف سپرده شده و غیره.

رهبری مؤثر و علمی جامعه و سازماندهی امور دارای اساسات و ضوابط مشخص است که باید آنرا مانند هر علم دیگر آموخت و هنر مندانه مورد تطبیق قرار داد آموختن رهبری علمی اداره و سازمان نیازمند تلاش های پیگیری است که باید با قب و ل مشکلات و زحمات متعدد آموخته شود با احساس مسئولیت و توجه به آینده مردم و جامعه مورد تطبیق قرار داده شود.

برای آموزش کامل و بهتر امور اداری و سازماندهی به تحصیل دوره های تعلیمی دو ساله، چهار ساله و بالاتر از آن نیاز است اما هر یک از فعالین سیاسی و دست اندر کاران بخش های مختلف ادارات دولتی سازمان های اجتماعی و دستگاه های خصوصی مکلفیت دارند تا حد اقل از مطالب رهبری و سازماندهی امور اجتماعی را بدانند تا باشد خود از عهده اجرا و حل بعضی از مسایل رهبری بیرون گردند و یا بتوانند در روشنایی اساسات علمی اداره و رهبری نتایج کار کردها و دور نمای آینده هر اداره و رهبر را مشخص و یا حد اقل پیش بین باشند.

اساسات علمی رهبری

در سازمان های اجتماعی و احزاب سیاسی بیشتر از مفهوم رهبری استفاده میگردد حالانکه ممالک صنعتی مفهوم مدیریت را بکار میبرند هدف کلی استفاده از مدیر و رهبر در یک سازمان و در جامعه یکسان است و اما به معنی خاص هر رهبر مدیر است و اما هر مدیر رهبر شده نمی تواند و از طرف دیگر در سازمان های اجتماعی و احزاب سیاسی در پی رهبر هستیم و یک جنبش اجتماعی و حزب سیاسی توسط رهبران آزموده و مجرب میتوانند در جامعه منشا اثر گردند نه توسط مدیران مقید به اصول اداری و بیروکراسی های معمولی اساسات علمی رهبری متشکل از مفاهیم و اصطلاحات است در مورد تعریف رهبری و وظایف رهبری و اساسات اجراءات و وظایف که یک رهبر باید آنرا انجام دهد که هر یک از این اساسات را طور مختصر در این یاد آور میگردیم. رهبری چیست! به نظر متفکران علوم انسانی رهبری معانی گوناگون دارد عده ای آنرا (هنر یا فرآیند نفوذ گذاری بر مردم میدانند طوریکه مردم داوطلبانه از روی اشتیاق در راه رسیدن به هدف های گروهی تلاش کنند) و به اعتقاد برخی دیگر (رهبری فرآیندی است که ضمن آن مدیریت سازمان میگو شد تا با ایجاد انگیزه و ارتباطی مؤثر انجام سایر وظایف خود را در تحقق هدف های سازمانی تسهیل کند و کارکنان را از روی میل و علاقه به انجام وظایف شان ترغیب کند).

و عده ای از علما برای رهبری معنی و سیعتری میدهند و رهبری را (توانایی ترغیب دیگران به کوشش مشتقا نه جهت رسیدن به هدف های معین) میدانند.

بنابر آن مهمترین اصل رهبری جهت دادن به فعالین های اعضای سازمان است از طریق نفوذ در آنها و مدیر در نقش رهبری کسی است که بتواند بر افراد تحت سرپرستی خود مؤثر باشد وزیر دستان سخن او را با جان و دل قبول کنند. تفاوت مدیریت و رهبری در (نفوذ) است زیرا مدیر بیشتر از قدرت استفاده میکند که این امر شایسته امور نظامی و اداری است و رهبران مغرور و خود پسند متمایل به این شیوه هستند که میکوشند تا این شیوه را در احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی نیز معمول نمایند و از همین طریق دیکتاتوران خشن و متعصب تربیت می یابند و اما تاکید رهبر بیشتر بر نفوذ است و این نفوذ را رهبر از طریق

کسب اتوریته واقعی بدست می آورند و این رهبران در پی کسب اتوریته کاذب نیستند افرادی که همیشه در صف همکاران قرار داشته باشند و وظایف دشوار و مشکل را قبل از دیگران انجام دهند و به مشکلات و پرابلم های سازمان و همکاران خود توجه دائمی داشته باشند و در آره حل هر مشکل و پرابلم خود بکوشند میتوانند به رهبران واقعی میدل گردند.

رهبران واقعی قبل از همه از چهار ضعف که دشمن واقعی شخصیت انسانی و مقام والای انسان میباشد مبری هستند و یا این چهار هوا و هوس های نفسانی حد اقل تحت کنترل آنها قرار میداشته باشد هوا و هوس های نفسانی به صورت مجموعی با یک یا چند خصیصه در وجود هر انسان وجود دارد که در وجود بعضی ها طغیان میکند این ضعف های انسانی به شکل افراط و طغیان در وجود هر شخصی که باشد نمیتواند به مثابه رهبر انتخاب گردد.

این ضعف ها عبارت است از:

- ضعف در مقابل مقام و قدرت یعنی اینکه ارزو مند برای رسیدن مقام و قدرت فوق العاده باشد.
- ضعف در برابر پول و سرمایه ضعف پول پرستی و زرو وسیم اندوزی .
- ضعف در برابر کسب شهرت ، وظایفی را انجام دهد تا به شهرت برسد و مشهور گردد.
- ضعف در برابر هوا های شهوانی و تمایل بودن به تجاوز جنسی هر انسا ن با عقل و هوش باید بکوشد تا هر چهار بلای نفسانی را در وجودش به حالت اعتدال نگهدارد و اما کنترل دوامدار این پرابلم ها و استفاده مشروع و قانونی از این خواهشات شرط اولیه کارو فعالیت رهبری میباشد که از جمله این ضعف ها حب سیم و زر جاه طلبی و مقام پرستی از همه بیشتر زیان بارتر است.

ماهیت رهبری: برای اینکه یک رهبر بتواند پلانگذاری ، سازماندهی و کنترل از اجراءات بعمل آمده کرده بتواند باید دارای قدرت و صلاحیت اثر گذاری بر دیگران باشد به نحوی که زیر دستان و همکاران آنها با میل و رغبت کار کنند و فعالیت بیشتری از خود نشان دهند بنابراین آن هر مدیری که بتواند زیر دستان خود را وا دارد تا با میل و رغبت کار کند رهبر گفته میشود.

هر گاه سوالی مطرح کرده آیا همه افراد توان رهبری و نفوذ بر دیگران را دارند و یا خیر؟

تحقیقات متعددی علمی نشان میدهد که توان رهبری در سرشت هر انسان وجود دارد در صورتیکه تربیت اولیه انسان ها متوجه تشکل شخصیت سیاسی و اجتماعی آنها باشد و در نصاب تعلیمی بر علاوه دانش و مهارت به فکتور بینش یا وجدان نیز توجه گردد از قبیل رسالت انسان در اجتماع حقوق والدین و افراد جامعه بالای هر یک عشق به میهن کار دوستی پاک نفسی و بدست آوردن مزد و اجرت حلال و مشروع و غیره مسایل.

مبانی قدرت برای رهبر و یا مدیر:

قدرت رهبری یک مدیر در یک گروه یا سازمان اجتماعی از منابع سر چشمه می گیرد که هر یک از آنها میتواند در نوع و شکل رهبری مدیر تاثیر بگذارد که این مبانی عبارت است از.

1. قدرت پاداش یا مکافات (Reward Power) رهبر باید صلاحیت و امکانات دادن مکافات مادی و معنوی را بر زیر دستان داشته باشد.
2. قدرت تنبیه یا مجازات (Coereive Power) مجازات زیر دستان و همکاران به منظور تصحیح رفتار آنها در جهت رسیدن به اهداف سازمانی.
3. قدرت مرجعیت (Referent Power) :

توانائی که رهبر به مثابه الگو و نمونه از طرف زیر دستان مورد تائید قرار گرفته باشد و از هدایات و رهنمود های رهبری پیروی گردد رهبری به مثابه مرجعیت در حالتی مورد قبول واقع میگردد که نظریات آنها در عمق و جدان پیروانش رسوخ کرده باشد و رهبر را مرجع آید ال خود بدانند و رفتار خود را با رفتار او هماهنگ سازند مانند پیروی اعمال خاص عبادی و یا علمی از افراد خیره نمونه بارز مرجعیت را در حکم تقلید از عالم اعلم تحت شرایط خاص در فق تشیع دیده می توانیم.

4. داشتن مهارت های خاص (دانش تخصصی).

قدرتی است که بر مبنای آن پیروان قبول دارند که رهبر دارای مهارت یا دانش تخصصی است که او را از دیگران متمایز می سازد مانند متابعت شاگرد از معلم یعنی اینکه رهبر در مقابل همکاران و زیر دستان از موقف استادی و رهنمودی برخوردار میباشد.

قدرت قانونی: توانائی های ناشی از قانون است که به مدیر و ره بر حق تاثیر گذاری به زیردستان را وا گذار می نماید و زیر دستان دا ملزم به پذیرش این تاثیر مینماید.

یعنی اینکه رهبر و یا مدیر از طریق مراجع مسئول و قانونی موظف به اجرای وظیفه گردیده باشد در سازمان های اجتماعی و احزاب سیاسی رهبری از طریق آراء شورا های مسئول و انتخابات ازاد دموکراتیک باید انتخاب گردند.

شیوه های رهبری

راه ها و وسایلی که رهبر و یا مدیر برای رسیدن به اهداف مورد نظر استفاده میکند سبک یا شیوه رهبری (اسلوب) نامیده میشود شیوه ها و اسلوب همواره در حال تغیر است و تکامل مینماید در شرایط کنونی سه نوع رهبر ی معمول و متداول است که عبارت است از.

1. رهبری به شیوه استبدادی .
2. رهبری به شیوه دموکراتیک.
3. رهبری به شیوه آزاد. بقیه در صفحه (14)

بقیه از صفحه (13)

1. سبک رهبری استبدادی (اقتدارگرا) در این سبک مدیر شخصی است که دستور میدهد و اختیارات تصمیم گیر ی در نزدی متمرکز است این سبک رهبری مدیر نوع منفی بوده و اقداماتش از منابع زور تهدید و تنبیه ناشی میشود.
2. سبک رهبری دموکراتیک در این سبک به نیازها ، علایق و استعداد های کارکنان خود رهبر توجه میکند و به آنها اجازه میدهد تا در باره فعالیت ها و وظایف شغلی هر شخص تصمیم بگیرد مدیر و رهبر دموکراتیک در هنگام تصمیم گیری با کارکنان مشورت میکند و از آنان میخواهد که با اظهار نظر های خود به انتخاب بهترین راه کار ها از بین راه های موجود او را یاری دهند این سبک در سازمان های که کارکنان آنها افراد تحصیل کرده و آگاه از م رافع ملی و اجتماعی تشکیل میدهد قابل تطبیق است مانند موسسات علمی و تحصیلی تعمیم این سبک رهبری در تمام جامعه و سازمان های فعال مفید و موثر است و تعمیم این سبک رهبری یکی از مکلفیت های مهم و اجتماعی به شمار میرود.
3. سبک رهبری آزاد در این سبک مدیر برای پیرو ان یک هدف را مشخص می سازد و افراد لازم برای رسیدن به آن هدف را فراهم میکند مانند پول و سپس گروه و افراد را بدون کنترل بیشتر آزاد میگذارد تا خود آنان اقدام نمایند در این سبک رهبری مدیر فقط نقش هماهنگ کننده و رهنما را ایفا میکند مانند تحقیقات علمی در مراکز علمی و تحقیقی که رهبر د خالت خود را بر محققان به حد اقل میر ساند مانند رهبری تیم های سپورتی.

مراحل و زمینه های رهبری علمی

رهبران آگاه و موفق جامعه ، نیروهای تحت فرمان خود را به شیوه علمی رهبری میکنند تحقق احکام علمی مستوجب در نظر گرفتن مراحل شرایط و وسایل و اسباب خاص میباشد که با استفاده از همین مراحل وسایل و اسباب نتایج مطلوب و مورد استفاده بدست میآید.

نکات مهم و ضروری برای رهبری علمی جامع و سازمان های فعال عبارت است از .

1. تامین اطلاعات جامع و موثق:

رهبر باید از سازمان مورد نظر (ارگان دولتی ، اجتماعی و یا حزب سیاسی) اطلاع جامع و موثق داشته باشد و اطلاعات باید متکی بر فاکت های دقیق باشد و به خواستها و گرایش های ذهنی در جمع آوری فاکت ها راه داده نشود در جمع آوری فاکت ها به اطلاعات و نظریات افراد مغرض اعتنا نگردد فاکت ها در یک مقطع خاص و سرسری جمع آوری نگردد. رهبر باید متوجه باشد که واقعیت های زندگی همیشه مطابق میل و دلخواه اشخاص پیش نمیرود واقعیت های تلخ و شیرین را باید چشید تا زهر کشنده در حلقوم فرو نرود و باید به این گفته مشهور اتکاء گردد که: پیر عقل بی اعصای فاکت قادر به راه رفتن منظم نیست . مرغ خرد بی هوای فاکت نمیتواند پرواز کند.

2. تحلیل عمیق فاکت های گرد آمده:

فاکت ها نمیتوانند مبین ماهیت وضع روابط درونی ، سیر نهایی و قایع و سمت تاریخی و غیره باشد بنابر آن سعی گردد تا فاکت ها و اطلاعات در کالبد فکری و قالبهای اصولی معین به زور گنجانیده نه شود فاکت نباید مسخ گردد. به انبوه فاکت ها توجه گردد و فاکت ها بر بنیاد احکام و رهنمود ها تحلیل گردد. نه تنها به فاکت های گرد آمده توجه گردد.

فاکت عینی بر ذهنی و یا بر خلاف ذهنی بر عینی مقدم شمرده نه شود و رابطه بین تجربه و تعقل در نظر گرفته شود و فاکت ها نه تنها از طریق رهبر بلکه توسط یک گروه بدون ترس و وا همه تحلیل و ارزیابی گردد.

3. استخراج شعار و رهنمود عمل:

استخراج شعار ها و رهنمود های مشخص رهبری را از مرحله بررسی نظری وارد مرحله بسیار دشوار و فوق العاده بغرنج و پر مسئولیت می نماید.

بهتر خواهد بود تا رهبری شعار های استخراج شده را به شکل تجربی در مرحله نخست در یک ساحه محدود عملی نماید تا به صحت و کار رایی آن اطمینان حاصل نمایند اجرای عجولانه یک رهنمود در مقیاس وسیع دور از حزم است هر گاه هر رهنمود در مقیاس وسیع جامعه اجراء گردد رهبری به صوب ماجرا جوی و عوامفریبی میل میکند اجراات شایزده و متکی به اراده رهبر امور را ضایع و نیرو ها را پراکنده می سازد.

شعار : اهداف تا کتیک است در یک مرحله کوتاه مدت برای رسیدن به نتایج و اهداف مشخص و محدود شعار برای یک مدت کوتاه مانند یک هفته و یک ماه و یا بیشتر مطرح میگردد و اهداف کوچک محدود مشخص را در بر میگیرد مان ند شعار های مشخص برای انتخابات پارلمانی.

4. بهره گیری از ابتکار و انداز توده ها و جامعه:

هر قدر یک رهبر خرد مند باشد و با دقت عمل کند و بر اساس فاکت ها و حقایق شعار های لازم علمی را استخراج کند و تحلیل ها عمیق و جمعی باشد باز هم خطر لغزش و اشتباهات متصور است زیرا که پدیده های اجتماعی فوق العاده جامعه الاطراف متحرک و متنوع است و ابلهانه است اگر کسی تصور کند که با مغز خود توانسته است تمام این بغرنجی ها را احاطه نموده است تاریخ نیرنگ باز است و بوالعجبی های فراوان در آستین دارد. بقیه در صفحه بعدی

بقیه صفحه قبل

لذا در جریان عمل کردن یک رهنمود یا یک شعار رهبران باید دایم گوش ب زنگ انتقاد ها و اند رزه ها پیشنهادات و ابتکارات و زنهار با شهای مردم باشند زیرا که برای عملی نمودن یک شعار و یک رهنمود و اند رز یک نوع شیوه عمل وجود ندارد بلکه هر شعار و رهنمود توسط شیوه های متعدد و مختلف میتواند به نتایج مطلوب برسد و مهم آنست که رهبری بتواند ثمر بخش ترین شوه را که با کمترین مصرف انرژی و نیروی انسانی به هدف میرسد مورد استفاده قرار دهد.

نظریات و انتقادات مردم و جامعه بهترین کمک است برای اجرای هر عمل داشتن روشهای منجمد و تغیر ناپذیر و لجاج غیر منطقی و ذهنی که مورد انتقاد عموم است به نتایج تاسف آوری میرسد.

ایکاش سود و یازیان که در نتیجه اعمال یک رهبر اداره گرا و لجوج ناشی میگردد نتیایج شومش را تنها همان رهبر لمس کند بلکه نتیایج اعمال ارادی گراها و رهبران لجوج را عوام الناس همیشه با اشک و خون استقبال نموده اند.

5. انتخاب شخص لازم در جای لازم:

برای تحقق هر عمل و بدست آوردن نتایج مطلوب و دلخواه نقش شخصیت ها همیشه بزرگ و قاطع میباشد اما این شخصیت ها امور رهبری تنها از روی قواعد و اسناد تحریری نمی آموزند بلکه بنابر داشتن تجارب طولانی و آموختن از مدرسه کار و فعالیت عملی در جامعه شیوه ها و اسالیب رهبری را می آموزند.

برای رسیدن به مقام رهبری در جامعه و یا بخشی از سازمان های مشخص خصایل و صفات روحی خاصی لازم است که این خصایل و صفات زودیاب و فراوان نیست.

جاذبه شخصی قدرت اقتناع شور مبارزه درایت و تدبیر ، اتوریته معنوی انسان دوستی شهامت تصمیم گیری قاطعیت و امثال آن از زمره صفات و خصایل میباشد که هر رهبر به آن ها دسترسی داشته باشند.

مختصات شخصی رهبران و مدیران که در سبک رهبری آن ها بروز میکند اثرات عمیق در سیر حوادث دارد.

6. مرحله و ارسی نقادانه انجام شده ها :

رهبری بعد از طی مراحل و احراات انجام داده شده از اجراات و کار کرد ها باید نقادانه و بیطرفانه برسی همه جانبه بعمل آورد اما لازم است که اجراات هر عمل و تحقق هر شعار در یک لحظه مساعد صورت گرفته باشد و عمل به موقع و در صورت بسیج توده ها و نیروه های مربوطه صورت گرفته باشند زیرا که عمل زودتر از موقع و عدم قناعت توده ها به شعار و نه بود بسیج آنها نتیایج منفی بار می آورد تعین لحظه مساعد برای هر عمل و بسیج نیرو ها برای تطبیق آن بیانگر هوش و ذکاوت و ابتکار رهبری میباشد.

رهبری سالم و خردمند در ه نگام برسی نقادانه انجام شده ها ، اجراات و کارکرد ها را آرایش نمیدهد کوچک را بزرگ و بزرگ را کوچک جلوه نمیدهد و مهمتر از همه اهمیت و ارزش اعمال انجام شده میباشد که دقیق و مشخص گردد.

ختم

ماخذ:

- کتاب سازمان و مدیریت نظام جدید آموزش متوسطه برای رشته حسابداری و بازرگانی سال 1385.
- یاداشت ها فلسفی و اجتماعی احسان طبری.

بقیه مقاله افت سفید از صفحه (10)

باید تدابیر عملی و مشخصی در جهت تحقق این آرمان مقدس اتخاذ گردد . منافع علیای کشور از همه مجریان امور ، نیروهای وطنپرست وجدانه می طلبند تا عزم را جزم نمایند ، تدابیر مشخص و عملی را بمنظور تطبیق و اهداف والای مردم اتخاذ نمایند تا باشد از شر این پدیده سیاه و م رفور نجات یابیم ، هرگاه افزایش کمک های مزید به دهاقین بدیل کشت خشخاش صورت نگیرد در ناگزیری آنان مجبور خواهند شد که به این عمل خود مبادرت ورزند من معتقدم که بلید راه اساسی رابه منظور ریشه کن ساختن آن آفت سیاه جستجو کرد.

از جانب مسولین و مجریان امور در راستای ریشه کن نمودن خشخاش و قاچاق آن چه کارهای ملموس صورت گرفته ؟ آیا عاملین آن به پنجه عدالت تاکنون کشاینده شده و حکم قانون چه نوع جزا را برای مرتکبین آن تنفیذ نموده اند ؟ منافع علیای کشور از مجرمان مسول جدائی طلبند تا با مسولیت موضوع را در محراق توجه خویش قرار دهند . تا باشد فردای با سعادت که خواست مبرم مردم ماست در پرتو ارزشهای قانون اساسی کشور در عمل تحقق یابد .

درس : گلزاد مارکیت اتاق 148 تیلیفون 0752031722

حساب بانکی راه نهضت 32762 در بان ملی (یاداشت: مسؤلیت نوشته ها مربوط نویسنده انست)

حزب نیرومند مظهر قدرت است

تیمور رحمتی

با درک از اوضاع موجود منطقه و افغانستان باید با یک دید عمیق به قضایا بر خورد کرد. اوضاع افغانستان در حال موجود از به اصطلاح کنفرانس { بن } تا اکنون هر روز بد و بدتر می شود. فساد اداری، تولید و قاچاق مواد مخدر، نا امنیتی، ترور، خود کشی انتحاری، انفجار ماین های تعبیه شده کنار جاده، تسلط بنیاد گراه های طالبی در ولایات، بخصوص ولایات غرب کشور؛ ناامنی راه ها و جاده های بین ولایات از یک طرف، خشک سالی، قطع اشجار و جنگلات و مراتع و چراگاه، کم شدن کاشت للمی کاری و عدم دسترسی دهقانان به وسایل کشاورزی و تخم های بزرگی و زیرکاشت رفتن مزارع برای تولید محصولات کوکنار و نبودن مخازن آب و کانال و بند ها از جانب دیگر، بیکاری فوق العاده خطرناک در شهر ها، بخصوص شهر کابل و قرار احصایه جدید منابع خارجی حاکی از 24 هزار کودک با کار های کم در آمد غیر معمول آب فروشی، بوت پالشی و کار های پیش پا افتاده غیر اقتصادی واقعاً وحشت ناک است.

همچنان برای معلولین و معیوبین توجه نشده و تعداد زیادی زنان و مردان و اطفال به تکدی و گدایی در شهر سرگردانند و در معر ها شاهد حالات غیر معمول و تاثیر انگیز مواجه می شویم.

شهر کابل از یک جمعیت چهار صد هزار نفری اکنون به جمعیت بالای چهار میلیونی رسیده که از لحاظ مسکن و تامينات اجتماعی به مشکل افزوده است.

خدمات شهری در کابل به شدت پایین آمده، کمبود انرژی سوخت، آب صحتی آشامیدنی وسایل ترانسپورت شهری، در هر گوشه و کنار شهر نظر افکنده شود مصائب دل سرد کننده و تاثیر آوری دیده می شود. ناگفته نباید گذاشت از جمله پرابلم های فوق در همین نزدیکی ها پرابلم مردم شهر کابل از ناحیه برق تا اندازه حل گردیده ما خواهان حل تمام پرابلم های مردم و بخصوص شهریان کابل میباشم. بالاخره می توان گفت که نا به سامانی آنقدر وجود دارد که تغییر چنین اوضاع تحقیر کننده به شدت احساس می شود.

از قرار مطالعه هفت سال حکومت داری موجود چنین نتیجه بدست می آید که باید برای تغییر وضع نا به سامان کشور، در ساختار نظام تغییرات کیفی لازم بوجود آید و برای چنین اهدافی باید یک یا چند التر نتیف یا بدیلی کیفی حاکمیت ملی وجود داشته باشد و این اهداف زمانی بر آورده می شود که احزاب سیاسی نهادینه و نیرومند گردد و از احزاب همسو جبهه واحد مهنی نیرومند بدیل حاکمیت به میدان حضور یابد.

روی این واقعیت عینی با جرئت و دقیق میتوان گفت که خانواده حزب، د،خ،ا از چنین کیفیت بر خوردار است. که لازم به سازمان دادن آن در یک حزب واحد سر تاسری کشور میباشد. حرکت موجود 9 حزب در یک حزب و فعالیت های موثر تامین وحدت نهضت فرا گیر و حزب متحد ملی نوید بخش رسیدن به یک گنگره واحد بوده می تواند و این حرکت که در پالیسی های جدید اتخاذ شده مورد استقبال همه اعضای خانواده بزرگ حزب است.

یک موضوع قابل توجه است که در راه رسیدن به گنگره وحدت باید صادقانه خلأ و فاصله جناحی میراث نا پسند گذشته را پر کرد و رفقا، بخصوص رهبری گذشته با بزرگواری و بخاطر آرمان مشترک مهنی، ملی، مترقی و پیشرو خود، یکدیگر را به بخشنند و کنار هم قرار گیرند تا در پرتو چنین گذشت بزرگوارانه ایشان جریان تامین وحدت تسهیل و تسریع گردد. تجارب گذشته نشان داد که در میان صفوف و کادر ها اختلافی وجود نداشته همه باهم در دفتر و سنگر یکدیگر را دوست داشتند و بخاطر همدیگر جان می دادند. متأسفانه که در رهبری حاکمیت دولتی و حزبی مشکلات مختلف و از جمله جناحی بوجود می آمد و اکنون از همان قسمت آسیب پذیر باید استحکامات دوستانه، رفیقانه بوجود آید.

از رفقای بزرگ ما این توقع و خواهش می رود که بخاطر مصالح ملی از مصلحت هاو نزاکت های گذشته صرف نظر نموده و آن عوامل نفاق فامیلی را به تاریخ بسپارند و در کنار هم؛ خانواده بزرگ را سازمان دادو توحید نمود و رهبری کرد. اکنون بشریت به این واقعیت رسیده اند که هیچ کشوری بدون پایگاه اجتماعی { حزب } نمی توان حاکمیت ملی موثر ایجاد کرد که توان رهبری جوامع شان را بصورت اطمینان بخش و موثر در اجرا در آورد. موجودیت احزاب الزامی است و بدون حزب نمیشود به اهداف عالی ملی دست یافت، ازین لحاظ نیز رفتن نهضت فراگیر به گنگره واحد یک ضرورت است.

در این موقع حساس سرنوشت ساز ملی، مردان تاریخی و قهرمانان ملی و سیاسی با دست یافتن به وصل ها و پیوند های موثر سازمانی و سیاسی میتوانند نقش و رسالت خود را به ظهور برسانند و سر مشق آینده گان و نسل جوان کشور باشند.

به آرزوی چنین نقش و رسالتی از جانب رفقای بزرگ و با تجربه.

به امید و آرزوی روزی که همه خانواده در یک گنگره یکدیگر را صمیمانه در آغوش گرفته در کنار هم نشسته راه رسیدن بسوی آینده کشور را تعیین نمایند